



روزنامه آیت الله مدرس
چاپ و نشر

سایه
ششماه
برای کارگران و کشاورزان و محصلین
و کارمندان جزمه دواتر سرمدی است
منظور بیکرد
۲۰۰ ریال

بهای آینهها با دفتر اداره است
بهای ادارت
(خیابان لاله زار - پایتازم)

آزیر روزهای یکشنبه - دوشنبه - سهشنبه
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

پنجشنبه خونین

آزیر ماه ۱۳۳۴

قاتلین کارگران تبریز باید بگفیر خود

بدرنگ

یک ماه و چند روز از کشتار وحشتناک کارگران تبریز میگذرد ولی از مجازات مسببین آن هنوز خبری نیست. متأسفانه هر روز خبر مرگ و جراحت تبریز و آگهی پاسخ نیامده، آمل اینکه - آرم باز نکل نهورده است برای مردم پایتاز، مردم تلخ ازوشی نامل نیستند.

میکانه تمام عمل کرده مانظر بودیم دولت دست بکار شده جلادارای بیگانه مردم نیاید بدینسانه انتظار مایه و دماغ بود.

این سکوت مرگ آسای زمامداران بیادست که میخوانند خون کارگران بیگناه و مالهانه از میخ بیزند.

از فرای که شنده این همه تا امروز بیزنده دوستی حساسی برای این کشار وقتل هام و حشابه تنظیم شده است.

اغلب روزنامه های تهران با انتشار خبر مرگهای آن طرف از طرفی ظاهره بود گفتا کرده جنایتیان بزگی را با سکوت میگذرانند ازتزار قضایاتی که پمل آورده این قضیه ملامت بر می کشد رسمی استنادلو بوده است.

مسئولین جنایت راجع بزسی شدن پایسان و ظامتی میگویند دردی در دست ندارند و بیگانه است اسم و شهرت آنها را اعلام میکنند.

دیروز میگویند جنین اشخاصی وجود نداشته از ملامورین این قضیه نگردیده است علیرا اینکه پیش از قتل عام کارگران که از اینجوت بوده او بماموری که در اوادستگیر کرد و یکجکترین اسمی فرسیده است اگر گزارش رسمی نبود بود کارگران هم کتار گرفتاری انقلاب معلومت بود چنین اندازی بود انقلاب میگویند کارگران و با مامرد شهرهایی بیرون اسمی میخوانند از میان جمیت بیرون بیایند.

از کتک هاشمیه که سد از خانه قضیه پمل شنگه رفته با تانی جمرد در آنها حضور داشته این چنین بر میاید که موضوع قضای اشخاصی نهوده استهای نایابگی این وقت برای منظورینش قفله دقتی تکلیف کرده آترا با گمال وحشیگری تکلیف کرده اند.

جنایت هرگز جنبه دفاعی نداشته از آن جرم بیادست شده قاتلین خواسته اند قدرت نشانده از خصم خجالی خود اتمام بکشند.

اشخاصی زسی ها را با گمال بی -

بلای جان روزنامه نویس

محققا بلای جان روز نامه نویس غلط های فاش و همین است که بوجره از آن چارگویی میشود کرد.

من بیست و هفت سال است مقاله می نویسم آژور در دام مانده است که یکی از نوشته های من غلط از چاپ در بیاید.

یعنی اوقات غلط و افتاده کلمات بیجا زده میشود و همین ترین اشخاص از حال طبیعی خارج میشوند.

برای مثال غلط منشی که در شماره ۱۷۷ آژور اشتباه در اسما ذکر و ضمنا آنرا تصحیح هم میکنند، اصل مطلب اینطور بود.

آژیر بنام روزنامی خود بر علیه ارتجاع و زور و جور و تعدی و مبارزه میخواند اما بر طرف مبارزه شدیدی که بر ضد دشمنان استقلال و آزادی خود پیش گرفته است مسامحت و باریکی نکنند.

این عبارت ساده با آنکه در دشمنان درست یعنی مخالف ضد مقصد نوشته در آینه انظاروری شده است.

آژیر ناامید از توانایی خود بر علیه ارتجاع و زور و جور و تعدی مبارزه کرده میخواند ملت ایران را که بر ضد استقلال و آزادی خود پیش گرفته است مسامحت و باریکی نکنند.

اولا خواهشیم اگر دور روزنامه آژیر و میخوانید بدینگونه این مطلب را در روز خبر عنون (آژیر از کارکنان حزب دموی کرات نیست تصحیح) بر علیه فایده نخواهشتم در اغلاط ارزوانی او که دشمنان بر سرده ناما ما را مشور نشانید، این تقصیر خط و حرفی است که هم در نوشتن هم در جیدن و چاپ کردن مانده نامه های روز و بیجا زده لازم دارد اسامی مجبور است مطالب و از روی فکر و حسن قیود.

نویسنده و حرف و چین و صحیح هیچکدام تقصیر نباشد اما در غلطی بیخبرگری مورد استعمال است این بلا از جان نویسنده گان دست بردار خواهد بود.

یکی از نویسنده گان روزنامه که در زبان فارسی هم که گمان نماند از اردو بیگانه یعنی و تنها طوریکه که بشود که در املا یعنی از کتابخانه حزب نوشته ام تردید پیدا کرده ناچار میشود از استعمال آنها صرف نظر کنم. اسامی مجبور که چندین بار در نگاربرین کلمه استعمال مینماید خیال کرده است که شاید بازش باید نوشته شود.

بیروال ما فرستد می نویسم روزنامه را و بغاغت دست خواننده بهیچ موفق نشده ام تصحیح هم فایده ندارد زیرا روزنامه او کاتبان افغان میبندد کسی بعد از خواندن تصحیح میکند حتی از فاضلانیه کتابهای جمعی هم خواننده گان کسب از افتاده میکنند با وجود این باسکوت هم اندرودردند.

ما از خوانندگان جدا میخوانیم.

بمقتضای این روزنامه نویسی

بمقتضای این روزنامه نویسی

بقلم ایلیار نیوک

از جمله جنگ و طریقه کارگر ترجمه لاله ک

دادگویی

اینک قسمتی از یک شماره تازه رسیده روزنامه لاله نویسنده و منتقدین و نوک است و در جریان استعراج و نقل میگویند - در جریان وقایع برضه هم در درواسی و اماند در خاور سرحد پیش از جنگ آلمان نقل و انتقال اهالی صورت میگرفتند و این عمل بوجه از این جهت بود که میگردد جنگ و طایفه میبندد بیشتر را حایز میگردد. دوسال از این رسیده انتقال میگویند آلمان ها به لیتوا آغاز گردید میگویند (بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۳۹ بین آلمان و روسیه آلمانی های منبم لیتوا به روسیه رفتن و سایر نقاط آلمان منتقل شده است) بعد از صلح آلمان روسیه باز گشتند میبندد انتقال میگویند آن روسیه است - مترجم (و همین رفته مجدداً قریب سی هزار آلمانی دولیتوا استرازا یافته اند و اکثر آن در مکان مستند... اما از زمین های که آزاد مانده بود هم ایشان را از زمین و باطنی موبیات ایجاد یکجکتره روستایی سالم ایجاد کرد و اکثر خانواده کلی آلمانی جدیدی خواهند شد فراهم آوردم.

در ضمن این انتقال اهالی هر عمل که آلمانیها را در نواهی منبم مترکز میبندد - سایرین و این وسیله امکان نقره نامد اقل تعداد یافتند.

و همیرو واحد جمیت های آلمانی در لیتوا طریقه های است که از هناسی مترکز و مختلف بکلانی آلمانی متجدد استوار ایجاد کنند.

بدینوسیله است که در ماه ژوئن ۱۹۴۴ خواننده این سطور در خواننده تبسم

بقلم غوغوغ
مناصیر و

دکتر کشاورز ...
جمله در روزهای اولان من شبانست
گفت که اندازه وادو گذار ایشان را
بمسامحت و روابط مسامور کرده و چینه
جمله از آن سخت کرده است - یکی از
این جلاب این بود

مقتضای این روزنامه نویسی

بقلم ایلیار نیوک

از جمله جنگ و طریقه کارگر ترجمه لاله ک

دادگویی

اینک قسمتی از یک شماره تازه رسیده روزنامه لاله نویسنده و منتقدین و نوک است و در جریان استعراج و نقل میگویند - در جریان وقایع برضه هم در درواسی و اماند در خاور سرحد پیش از جنگ آلمان نقل و انتقال اهالی صورت میگرفتند و این عمل بوجه از این جهت بود که میگردد جنگ و طایفه میبندد بیشتر را حایز میگردد. دوسال از این رسیده انتقال میگویند آلمان ها به لیتوا آغاز گردید میگویند (بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۳۹ بین آلمان و روسیه آلمانی های منبم لیتوا به روسیه رفتن و سایر نقاط آلمان منتقل شده است) بعد از صلح آلمان روسیه باز گشتند میبندد انتقال میگویند آن روسیه است - مترجم (و همین رفته مجدداً قریب سی هزار آلمانی دولیتوا استرازا یافته اند و اکثر آن در مکان مستند... اما از زمین های که آزاد مانده بود هم ایشان را از زمین و باطنی موبیات ایجاد یکجکتره روستایی سالم ایجاد کرد و اکثر خانواده کلی آلمانی جدیدی خواهند شد فراهم آوردم.

در ضمن این انتقال اهالی هر عمل که آلمانیها را در نواهی منبم مترکز میبندد - سایرین و این وسیله امکان نقره نامد اقل تعداد یافتند.

و همیرو واحد جمیت های آلمانی در لیتوا طریقه های است که از هناسی مترکز و مختلف بکلانی آلمانی متجدد استوار ایجاد کنند.

بدینوسیله است که در ماه ژوئن ۱۹۴۴ خواننده این سطور در خواننده تبسم

بمقتضای این روزنامه نویسی

پنجشنبه خونین

بقیه از صفحه اول
ها تیرت و سرمایه بدست آورده اند
انتقام خواهد کشید.

از در خواستهایی که برای خاموش کردن
امان آزادی می انداخته کارگران تیرت
ما میدانیم که مقامات دولتی در تحت
تأثیر عوام کثیف و خونخوار و زشت
این قتل عام موش اقدام کرده است
نه تنها قاتلین و سزادان مستقیم بلکه
مهرگان آنها نیز باید معازرت شوند.
سکوت دولت سکوت وزارت دادگستری
معموما سکوت غایت مجلس است
از اینها که تیرت خیلی ممتی دارد ما
نیستیم و ما هر چه زودتر عمل کرده
غایت را بجا می آوریم موعود بود.

مجلس تیرت باید معازرت شوند.
سکوت دولت سکوت وزارت دادگستری
معموما سکوت غایت مجلس است
از اینها که تیرت خیلی ممتی دارد ما
نیستیم و ما هر چه زودتر عمل کرده
غایت را بجا می آوریم موعود بود.

غفلت کرده میگویند و تیرت شری
نیست اینستیکما و لنگرکات همه بیانی
و سانسنگی است. و عکس طبق لنگراف
بسی استانه ای غلطه خانه و بیخار
سازگین تیرت را قتل عام کردن کارگران
کلی خونخوری و رشادت و دارند و
عذر هیچان نیست این قبیل لنگرکات
رویت این بدعه منی که از آنجا
آزادی خواهی را بر میرد و وسیله ممان
شهرت خود قرار دهم میگوید
شما می گفتند انقلاب تیرت را اصلاح
سکندت موش میبندد و آنها را اصلاح
باید قابل اغماض داشت.

میستند که مردمانی جانی هم پیدا
میشود که برای منظور های کوچک و
بیشد خصوص خون خرد چیدن نفر از
و کتین خود را می میکنند از این برین
هفت نفر مرده شتران از دست بار
گین شده بنای یک سازمان انجمنی
که شش هزار نفر عضو شرافتند.
حکمتی دارد و بیخار و در مجلس
نورانی بی یک کلام هم باشد نگذاشته
تواری کنگر شود. در صورت تیرت بیشتر
زیست قتل با لنگرکات باید خون قربانیان
مانندگان تیرت و روایت مجلس معازره
گردد.

طبیعی است وقتیکه بنای هم
مرتبط و زلفه و امانت از این نامانند
ریز و میگیرند سندی مردم مستقیم
نیست باید بگویند کسی فرستد - این
بسی است از تیرا خوردشان هم میدانند
که چه میگوید و کین گاه و برای چه
مظنونی شود و بیجالی شورای ملی
مقتدرند.

مواظب قدمهای خود باشید و رژه های هشدار بخوانند

یکی از بدبختی های مردم ایران
عدم توانایی حکومت مرکزی است. هر
قدر دوات و حکومتوری اصول و قانون
و دادگستری اقتدار پیدا بکنند بوسان
اندازه نمانند و بی عدالتی و زور گوئی
از میان افراد ملت برپا خواهد شد.
همه مستقیم که بزور کین با بیخیرت
استو اجتماعی ما هم آمادیت و هم برکت
امور تا این مانع از بین نروند و همکار
هیچ عمل انجمنی در تکامل کشور مفید
واقع نخواهد شد.

پیش از پیدایش دیکتاتوری دوات
ایران در اثر نفوذهای مجانی و هوا
هوس رؤسای هشدار مریض و ناسخ شایسته
شده بود. عیالیت و وحشت آور مستعاب
هم بطور حتم غیر از عکس العمل کارهای
و روانه این مردمان جاهل چیز دیگر
آوده.

متأسفانه بعد از ظهور بربریز آنکه
دیکتاتور بیرحم موقوف هوش اینکه
از چند صد نفری بر سطح جان گری
گرمیده حکومت مرکزی حکومت آلود
تیرت بود و حسابی که فلم از کتین آن
عذر داران و ادا جان های بیگناه و بیانی
طوری همت گمانند که امروز کشور
شهرستانهای ایران پر است از دستمال
پیش و عقب تیرت و شایسته که آفرینانند
آنکه توانایی آزادی همی و بیخیر و بیخیر
باید به جهت اکتالات موش و بیخیر
پیش است و منافع خود داشته و بیخیر
زبان شکست آوریت است و متأسفانه دیده
میشود که در مقدمات و محافل سیاسی
مهرزای هم عیالیت خوشی هستند که
با کمال وقاحت این آفریننده را در مان
زده میروانند از آن کین آفریننده مانی
میگیرند.

ما البته مستقیم که حقن هر یک از
افراد ملت ایران با معذرت باشد نام
افراد جامعه دور زیر او ای قانون انجمنی
و ادوات و لنگرکات خود بر سر نه کرده
و کتین خود نشاندند. تلگراف را میگویند
مشکی کوچکتر بر روی آرزو و سایر تیرت
دست دواتی بکنند.

تألمانیان ایران باید منافع دولتی
قانون مسئول باشد.
دستخاسته میروانند میبندد سخته با
تیرت که ماحر او میبندد حکومت
بنام اتحادیه ایلات تاسیس بکنند - این
برای رؤسا وزیر کار و ایلات خطرناکترین
اقدامی است این کارها برای چرکانه است
که دیکتاتورهای فساد بوجود میآورند
اتحادیه ایلات - بنام اتحادیه خویش
اتحادیه رؤسای هشدار اتحادیه انجمنی

ساده را می بیند و در نظر بگیرند
معموسا آقای منجمنس سیاسی که (دو
از انفال و تیرت و همه از بی نظمی با
کین اتحادیه و تیرت و بیخیر و بیخیر
است) آ. ت. سکوت خود خجالت نمی
برازند و وحشید و کظم و سایرین
انجمنی هستند که برای آفرینانند
کرده رای داده اند باید میخواستند
بگردید من رای آنها را خریدار من
بمانند بول خود مطلق
باشد بالاخره هر طبقه کارگر نیروی
نیست که با کتین و زشتی کردن چند نفر از این
برود.

بازوان - انجمنی کارگر اگر متش
برسد در انتقام کشیدن بیرحم خواهد
بود این یکی طاب آنها هنوز آ. ش
دنیا نیست

صوتون آذربایجان

دلاهر از نفر بمناسبت گشتار خونین کارگران تبریز صدای خود را بلند گردانند

توسعه فراکسیون نوده مجلس شورای ملی و واوشت شورای منتهم در گری
کارگران رونیو شهربان رووشت دوات و واوشت ظاهر رووشت آرزو رووشت
شده و رووشت دکن شق رووشت جبهه آزادی روزه شته ۲۳ مرداد ۱۳۰۷
منبتیک معشقی از طرف شورای منتهم در فضای آزاد تشکیل تجاوز ازده هزار
نفر اهالی و کارگران منبش مظان فتنه شوین ۲۲ تیر ماه را که منبش قتل
هفت نفر کارگر بی گناه و زشتی منی نفر و غارت رفتن اموال و تانیه شوین
اتحادیه هوشین ازین بر سر معات ویرول و لباس هوشین و متفرقین در وظیفهای
آتشین از بار شکت کندنند باحرارت تمام دوخواست میبوندند باید محکمه
معالت تشکیل و مسیبن حقینی این فتنه و وحشانه بگیرد و اهل خود برسد تا بنیست
از این موجب منبتیک های بیجان آور شود.
از برای همیز غلزاده آفرنده زاده کنجی محمد بیروا.

اهمیت مالی و اهمیت جانی و امنیت مسکن یکی از شرای اساسی ملوغم ملت است

ما احساسات مقدسی افراد کور
نداریم واد بخت من در آن بیخیر
شودیم بلین قانون اساسی مذکب رسمی
ملت ایران شیهه انجمنی است در این
هم بحث نباید کرد.

ولی ملت شیهه و دوات اسلامی
امروز باید برای سکنه که بدست دشمنان
و مخالفین آزادی و استقلال خود بیانه
ندند.

دولت ایران مسئول است و باید
حافظ جان و مال و معنای تمام انجمنی که
در زیر حمایت آن میبندد نگه
دارد و در منکلت مشروطه ملوغم قانون
است که باید تکلیف و مواجبات اشعار را
میین بکنند.

از برای ملوغم دستهای مروزی
دارند با سرورش کتور ما برای می
کنند در روز آزادیجان لنگراف بالا
بلندی دواتی در آن گفته میبندد سخته
اتهام بهائی که سرشش قانونی
بلاها و بی احترامی های عیسی غریبن
در آورده اند.

شاه مردود فتنه و وحشتناکین بود
چند نفر را گفته معامی را زشتی کرده
و شاه و کلاکین چنین را بد از بقما و
غارت کردن آتش زده اند.
این کار اگر ادامه پیدا بکنند آبا
میدانند برای مالکیت اسلامی که منبش
شیهه را با انجمنار مذکب رسمی خود قرار
برده است چه هر آنگ و وحشی خواهد
داشت.

از برای ملوغم دستهای مروزی
دارند با سرورش کتور ما برای می
کنند در روز آزادیجان لنگراف بالا
بلندی دواتی در آن گفته میبندد سخته
اتهام بهائی که سرشش قانونی
بلاها و بی احترامی های عیسی غریبن
در آورده اند.

شاه مردود فتنه و وحشتناکین بود
چند نفر را گفته معامی را زشتی کرده
و شاه و کلاکین چنین را بد از بقما و
غارت کردن آتش زده اند.
این کار اگر ادامه پیدا بکنند آبا
میدانند برای مالکیت اسلامی که منبش
شیهه را با انجمنار مذکب رسمی خود قرار
برده است چه هر آنگ و وحشی خواهد
داشت.

اداره روزنامه آذربایجان به خیابان لاله زار پاساها راجع روزنامه دار را منتقل شد

روزنامه دار را منتقل شد

روزنامه دان

امروز هفتصد نفر

مجلس قریحیم

بنیاست فوت مادر اینجابان مجلس ترجمه مرده است بیخسته ۲۶ -
مردارده ۲۳ - است ساعت الی یازده صبح در مسجد مسجد و مجلس ختم نامه هم
در میان روز عصری در منزل فقیه سیددواتق در میانان امریه کوچک اخباری
کاشی شماره ۴ منتقد خواهد بود
جلاز کربن صوابی جلیل شیربانو هایده شیربانو قهر شیربانو

